

به کدام دیوار تکیه دهیم ، وقتی خانه پایه و سقف ندارد.



بازیهای المپیک پکن با همان شکوه و عظمتی که آغاز شده بود ، جشن اختتامیه اش را نیز برپا داشت. من که دیدن بازیهای المپیک را بر شام شب هم ترجیح می دهم و با ورزش آمیزشی دور و نزدیک با سابقه ای بیش از چهل سال دارم (در حاشیه بگویم که هم عکس با شورت دارم و هم زیر شلوار) ، اگر چه این شانس را نداشته ام که از نزدیک و نشست بر سکوها، بازیها را نظاره گر باشم ،، چه بایدکرد ،، از همین قاب تلویزیون نیز بدیدنش دلخوش دارم . بعد از چندین المپیک (فارغ از اینکه در تب تازگی کار باشم) که شانس دیدن مراسم و بازیهای آن را داشته ام و خاطراتها در حافظه دارم ، باید بگویم (بنویسم بهتر است) که تا امروز، این زیبا ترین المپیک برپا شده است ، حال هرچه حسودان بگویند فایده ای در آن نیست ، عوام گویند « چشم حسود کور» . المپیک آتن که تمام شد ، بر اساس تجربه نوشتم و در چند جایی هم منتشر شد ، که «چند روزی سروصدائی خواهد شد و بعد تب هاعرق خواهند کرد و این قصه در المپیک بعد بتکرار خواهدنشست و باز ناکامی را خواهیم داشت».

و اما دیدیم که شدو بدتر هم شد، و شرمنده ام که باز باید بنویسم « چند روزی ناله وگله و نقد و تهمت و انتقاد خواهیم داشت ، و آنگاه بی پایه و اساس به دنبال کسی که بشود خاکها را بر سرش ریخت میگردیم و دست آخر کامیون خاک را در گودال فراموشی خالی خواهیم کرد ، تادرد بی درمان بی برنامهگی همچنان واگیر دار در کلیت جامعه در مسیر مبتلا سازی عمومی به گردش خود ادامه دهد».

اگر بخواهیم مشکل را تنها در این المپیک و در یک مرحله زمانی کوتاه بررسی کنیم ، دیدی ست کوتاه که تنها محدودیت تفکر و تعمق را معنا می دهد.

گرچه بررسی و تجزیه و تحلیل مقطعی هم ضرورت خود را دارد ، باید پذیرفت اگرچه اینگونه پرداخت ها از عمق کمتری بر خوردار هستد ، لیک نمی توان آنرا بی فایده هم دانست.

و اما چون بایسته است ، که به کوتاهی و در دیدی مقطعی هم نگاهی به ورزش و شرکت در المپیک داشت ، پس

.....

کاروان ورزشکاران ایران به پکن رفت و حاصل کار تنها یک برنز و یک طلا بود. اگر بنویسم جای تاسف دارد ، بار لغوی کلمه کافی به کمال نیست ، اگر بنویسم شکستی وحشتناک ، باید که در بدر بدنبال پیروزی های ممکن بگردیم ؟؟

باید دید اگر پیروز می شدیم چی می شد ، در واقع چه باید می شد ، که می بایست اسمش پیروزی می شد ؟ فکر کنید یا بقول آن شاعر خوش سروده « تصور کن اگر حتما تصور کردنش سخته » که ما بجای یک طلا ، ده طلا می گرفتیم . با این مدالها چه می شد که بشود و چه پیش می آمد ؟؟

هوایما در فرودگاه مهر آباد یا فرودگاه امام فرود می آمد ، مردم دسته دسته به پیش واز یا پیشباز ورزشکاران می رفتند دسته های گل فرش کف سالن فرودگاه می شد.

هزاران اتومبیل با بوق و چراغ روشن پشت سر هم بر حجم ترافیک شهر سنگینی میکردند ، و مردم برای اولین بار بابت سنگینی بار ترافیک به رئیس راهنمایی فحش خواهر مادر نمی داند.

عابرین پیاده که از نداشتن ماشین و گیر کردن در ترافیک خیالشان راحت است ، اگر دستشان به دهانشان برسد (این هم از آن حرفهاست ، مگر فاصله دست و دهان چقدر است) چند جعبه شیرینی خریده و بین هم تقسیم می کنند ، ورزشکاران را اول به سر قبر شهدا می برند و آنها از خون شهدا تشکر می کنند (مثل اینکه دوپینگ خونی کرده اند؟ و این امکان هست که اگر کمیته بین المللی المپیک مطلع شود، ورزشکاران مجدداً مورد تست دوپینگ قرار بگیرند !).

بعد به حضور رهبر می‌رسند ، ساکت مثل بچه آدم چهار زانو می‌نشینند و گوش به حرفهای عمیق و مفید رهبر می‌دهند، اگرچه همه از قبل میدنسته اند که چه خواند شنید.

«شما عزیزان با این کارتان پشت استکبار جهانی را به خاک زدید (مثل اینکه استکبار کشتی گیر سنگین وزن بوده و ما خوب فهمیدیم که اگر، یه خم اون رو از مچ پای چپ بگیریم ، راحت می‌شود که درویش کرد و خاکش کرد و رفت پشتش و توی خاک نگرش داشت تا داور یه نمره را بدهد و بلافاصله می‌شود که دوتا مچ پا رو گرفت و رو هم گذاشت و پشت سرهم پیچ پشت پیچ ، که میشه فیتیله پیچ ،وهی امتیاز پشت امتیاز گرفت تا دیگه آدم بشه ودست بکارهای استکباری نزنه) و چشم دشمن را کور کردید».

(گویا صمد هم با تیم به المپیک رفته بوده) از بخت خوش بازار صلوات گرم گرم است و مرگ بر این و آن که از بخت خوش تعدادشان هم چندکیلو از رکورد رضا زاده بیشتر شده هم رونق دارد.

سر راه برگشت به خانه و خانواده یکی از سران و مقامات ، قول ماشین پژو ویا فیات دادن را می‌دهد. و اما ورزشکاران که قبلاً شنیده اند که گفته شده « هر که دارد یک فیات سرش بزراد یک حیاط » به ماشین پژو رضایت میدهند با این شرط که یک کیسول آتش نشانی برای آتش سوزی دائمی پژو هم به آنان بدهند.

البته وقتی به خانه می‌رسند در وصیتنامه های خود برای جلوگیری از درگیری های وارثین بعد از خودقید می‌کنند، که اگر دولت خر شد و این پژو را داد ، سهم نوه بزرگ پسر ی خانواده خواهد بود.

و اما : آورده اند که از شتر پرسیدند « چرا ؟ شاشت از پس ، گفت آخه چیم مثل همه کس».

باید که واقعیت را دید و تنها از لحظه های شکست غمگین و افسرده نشد و با تک نم باران هم رقص و پایکوبی نداشت.

- وقتی قهرمان پرتابگر دیسک ما ، که اگر به رکورد خودش نزدیک می‌شد ، می‌توانست مدال آور باشد . از یک رقم سرسام آور میزان پرتاب هایش در چند ماه مانده به مسابقات بعنوان دلیلی برای صداقت در آمده سازی خودش صحبت می‌کند.

راحت بگویم آقا یا خودشان پرت هستند ، یا اینکه ما را گرفته اند.

آقا جان من ، ماهیچه ها و تاندول های کتف از یک ظرفیت معینی بر خوردار هستند ، معمول این است که ، مربی بهمراه تیم پزشکی و مربی بدن سازی ، از چند وقت مانده به مسابقات میزان تمرینات و پرتاب هارامشخص می‌کنند ، تا ضمن آمادگی ، ماهیچه ها و مفصل ها و رباط ها صدمه نبینند و بدن در زمان بازی هابدون عارضه به اوج آمادگی برسد.

قربانت شوم خیلی از قهرمانان در ترومنت های قبل از المپیک تنها برای شناخت رقیبان حضور می‌یابند و به چند هزار دلار دریافتی بابت رکورد یا مدال آن چشم ندارند.

- وقتی سرمربی تیم کشتی ما، عدم آمادگی کشتی گیران را بگردن مربی بدن سازی می‌اندازد . نمی‌دانم ایشان پرت هستند یا اینکه فکر می‌کنند با کور بیست ویک بازی می‌کنند.

قربانت شوم این کشتی که من در المپیک دیدم با آن سبک کشتی گرفتن زمان شما که گفته می‌شد ،، یه خاکش کن بعد مدارا کن ،، زمین تا آسمان فرق دارد.

ورزش کشتی تند و سریع شده درست مثل کامپیوتر های سرعت بالا.

وقتی تکلیف یک وزن ظرف یکی دو روز روشن می‌شود ، وقتی امتیاز آخر تکلیف را روشن می‌کند . احتیاج به بدنی است که بقول فوتبالیست ها برای ۱۲۰ دقیقه کشتی سنگین آماده باشد.

واقعیت این است که حضور شما ها که از ورزش علمی روز فاصله دارید برای پیشرفت

این ورزش که بنوعی ورزش ملی ما نیز هست در کادر فنی آن بازده گذشته را ندارد.

این مشکل را زمان روان شادان حاج فیلی و بلور هم داشتیم . سالها گفته می‌شد اینان مربیان تختی و حبیبی و این وان بوده اند ، آنوقتها هرچه گفته می‌شد، دوره کشتی هل بده هل میدم تمام شده ، مفید به فایده نشد و دل به یکی دوباری که بعد از المپیک قهرمان جهان شدیم خوش داشته بودیم تااینکه سقوط را شاهد شدیم.

آقا جان من ، بزرگترین نمایش ورزشی جهان المپیک است . از همین فردا کشور های صاحب برنامه روی تیم های ورزشی خودشان برای المپیک لندن کار می‌کنند .

و اما مربی تیم ملی کشتی ما می‌گویند که تیم ما جوان بودست. قربانت شوم تا سال ۲۰۱۲ تیم کشتی ما پیرخواهد شد.

واقعیت این است که شتره راست گفته ، ما چه چیزمان مثل دیگران است.

یک کشتی گیر از جامائیکا در پکن دیده نشد ، ولی در دوهای سرعت توانستند بعد از چند ده سال امریکا را از چند مدال طلا دور سازند.

این یعنی درک جغرافیایی منطقه و بهره گیری از توان فیزیکی حاصل از آب و هوا و خواص نژادی . این را یک کشور که باندازه یک فاشق چای خوری وسعت دارد دریافته و ما ؟

ایتیوپی یک دونده سرعت نداشت و چنین بود در مورد کنیاو چند کشور آفریقائی دیگر ، ولی لیست را نگاه کنید که چند تا مدال در دوهای استقامت و نیم استقامت گرفتند.

ایران دارای آب و هوا های متفاوت و مختلف است . ایران می تواند در بسیاری از رشته های مختلف ورزشی با شرایط محل برنامه داشته باشد . من نایبم که توانسته باشم از فکر خودم به این نتیجه رسیده باشم . ساده بگویم از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب شد ، تمام شماره های کیهان ورزشی را خوانده ام . زمانی که پیشنهاد ایران برای برگزاری بازیهای آسیایی مورد قبول واقع شد ، این حرف در کیهان ورزشی آورده شد و اما گوش شنوا .

شتره راست گفت . . .

من در یک شهر کوچک که کمتر از ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد در آلمان زندگی می کنم ، این شهر کوچک در چند رشته ورزشی حرفهائی برای گرفتن دارد .

چندبار قهرمان شطرنج دختران و پسران جوانان آلمان شده . یکبار تیم هندبال دختران زیر ۱۸ سال این شهر نایب قهرمان آلمان شد .

«رالف ویبر» کاپیتان اسبق تیم فوتبال فرانکفورت که چند بازی هم در تیم ملی آلمان در پست دفاع چپ انجام داد ، از این شهر است .

قربان آن قدو بالای بی مثال شما شوم ، شما به اندازه انگلستان یکدست ورزشکار شناخته شده از استان سیستان و بلوچستان بمن معرفی کنید ، استانی که تقریباً یک دهم کل ایران وسعت دارد .

قربان آن روی ماه شما شوم ، شما چند ورزشکار از ایلام ، کردستان ، بویر احمد ، چهار محال بختیاری و یزد و کرمان و . . . در اردوهای تیم های ملی داشته اید .

شتره راست گفت . . .

واقعیت در برد ها و باختها نیست ، واقعیت را باید از دل واقعیت بیرون کشید ، واقعیت این است که ، مگر هنر ما روزگارش بهتر از ورزش است ، مگر آشیانه علم ما آباد تر از باغ بی ثمر ورزش ماست

شتره راست گفت . . .

المان ۲۶،۸ . ۲۰۰۸

عبدالرضا بایگان